شاعر باید چراغ هدایت راه مردم باشد

سبزواری، حمید

کیهان فرهنگی پیش از هر چیز درباره خود، زندگی و کارهای فرهنگی و هنری‏ خودتان شرح و توضیح بفرمایید.

نام و نام خانوادگیم حسین ممتحنی و معروف به‏ حمید سبزواری هستم.در سال 1304 هجری‏ شمسی در شهرستان سبزوار دیده به جهان گشودم و در دامان فقر و فضیلت پرورش یافتم.دوران‏ تحصیلات را با مرارت و سختی بسر بردم و پس از اتمام تحصیلات به استخدام آموزش و پرورش‏ در آمدم و پیشهء شریف معلمی را اختیار کردم و از این طریق کمر به خدمت خلق بستم.سرودن شعر را از جوانی آغاز کردم و آثاری در خور پسند ذوق‏ مردم زمان خود آفریدم.

از ابتدای طبع آزمایی با روحی معترض و پرخاشگر وارد معرکه شدم و گهگاه آثاری برای مجله صائب‏ می‏فرستادم و به همین علت از آموزش و پرورش‏ اخراج شدم.پس از مدتی به استخدام بانک‏ بازرگانی در آمدم و هم اکنون هم در کسوت‏ بازنشستگی در«شورای شعر»وزارت ارشاد اسلامی‏ و«حفظ و اشاعه موسیقی»صدا و سیما همکاری‏ دارم.تا بحال دو کتاب به نام سرود درد و سرود سپیده به چاپ رسانده‏ام که اولی با مقدمه‏هایی از حضرت آیت الله خامنه‏ای و استاد شاهرخی و دومی‏ با مقدمهء صادق آیینه‏وند روانهء بازار شده‏اند.

\*

کیهان فرهنگی نقد از دیدگاه شما چگونه‏ ارزیابی می‏شود؟

ستودن یک اثر ادبی به لحاظ موارد قوت یا تذکر نقاط ضعف آن را صاحبنظران‏ نقد نام نهاده‏اند،اما در مورد جملهء«چگونه ارزیابی‏ میشود»باید بگویم:آنچه از بزرگان سخن آموخته‏ام‏ همان بیان قوت و ضعف است و چیزی بر آن‏ نمیتوانم افزود یا از آن کاست.

\*

کیهان فرهنگی آیا نقد هنری منحصر به شعر و نثر است؟

تمام اشکال و صنوف هنر میتوانند از کمال نسبی برخوردار باشند،یا کمبودهایی در شاکله آنها بنظر برسد.تذکر رسایی‏ یا نارسایی سبب تشویق و نیز رفع کاستیها میشود که‏ در هر صورت مطلوب است و هنرمندان از روزنه‏ نقد به نقایص کار خود آشنا میشوند و معایب را اصلاح می‏کنند!

\*

کیهان فرهنگی آیا یک اثر هنری می‏تواند صرفا تعهد آفرین باشد؟

هنرهایی که با پرورش روح‏ انسانها در پیوندند و مبین خیر و شر و راه و بیراه‏ هستند،باید از تعهد سرشار باشند،امروز قلم‏زنی‏ روی فلزات،قالی بافی،و بسیاری از صنایع را پروانهء هنری داده‏اند،اما هنر انسان‏ساز با قلم و سخن سر و کار دارد که شعر و نثر-تأتر-و امروز سینما-در پرورش معنوی انسان دخیلند.این هنرها که با معنویت انسان می‏توانند پیوند داشته باشند باید متعهدانه انجام پذیرند و از ابتذال و انحراف‏ برکنار مانند.فراموش نشود که موسیقی هم سهم‏ بزرگی در ساختار روح جامعه دارد که باید آموزنده و بدور از آفتهای شیطانی باشد.متأسفانه امروز فضای این هنرها فضایی آلوده است!!

\*

کیهان فرهنگی مسایل جهانی تا چه اندازه‏ می‏توانند در شکل‏پذیری و اثر گذاری‏ یک اثر هنری دخیل باشند؟

گر چه هنوز در چارچوب‏ خطوط مرزی و تحت عنوانهای گوناگون و نامهای‏ مشخصی زندگی میکنیم،در حقیقت مرزهای بین‏ ملل در هم شکسته و بلحاظ وسایلی که در دسترس‏ انسان است،دیگر دیواری بین ملتها وجود ندارد که‏ از هم باخبر نباشند.مسلما هر حادثه‏ای از خیر و شر در شکل و محتوای آثار هنرمندان مؤثر است،و هنرمندان با تأثیر و تأثر از حوادث جهان امروز، آثاری بدیع بوجود می‏آورند.دردها درد جامعهء بشری‏ است(!!)و درمانها نیز باید به تناسب این‏ گستردگی باشد(!!)شگفت است اگر هنرمندی‏ هنوز در لاک خویشتن بینی و بی‏توجهی به جهان‏ پیرامون خود فرو رفته باشد.البته چنین افرادی پیدا میشوند و ممکن است بظاهر کلماتی را به نام شعر بهم ببافند یا صفحاتی را تحت عنوان نویسندگی‏ سیاه کنند یا بازیگر صحنه‏ای از نمایش باشند،اما وجدانهای سالم این عده را در عداد شاعر و نویسنده و بازیگر دردآشنا قرار نمیدهند اینان غفلت‏ زدگانی بیش نیستند باید آنها را طبیبان دردناشناس‏ نام نهاد.

\*

کیهان فرهنگی اندیشه یا سیر تفکر در یک اثر هنری چگونه می‏تواند جریان یابد؟

تا آنجا که نویسنده‏ای‏ کلمه‏ای را به لحاظ املایی درست ننوشته باشد، تذکر آنها را می‏پذیریم،اما اگر این زبان شناسان‏ بهره‏مند از مشخصه‏های هنری باشند،صورت‏ مسأله تغییر خواهد کرد و ناگزیر اینان نیز در عداد هنرمندان قرار می‏گیرند و از اظهار نظر آنان استقبال‏ باید کرد.

\*

کیهان فرهنگی آیا دخالت زبان شناسان را در امر نقد ادبی ضروری می‏دانید؟

هنرمند کسی است که قبل از دست زدن به ایجاد یک اثر هنری،نقشی از آنچه‏ میخواهد به اصطلاح بیافریند(!!)در ذهن خود بپرورد.هیچ اثر هنری نمی‏تواند از اندیشه تهی باشد هنرمند قبل از آنکه هنرمند باشد صاحب تفکر و اندیشه است.اندیشه است که به هنرمند توان‏ خلاقیت یک اثر بدیع را می‏دهد و خداوند انسان را در پرتو اندیشه بر سایر مخلوقات سروری و برتری‏ عطا فرموده است.هنری که فاقد اندیشه بوده و اندیشه در آن نقشی نداشته باشد،شکلی بی‏روح، خشک و فاقد ارزش است و اصلا در سلک هنر جایی ندارد.هنر وقتی تکان دهنده و مهیج است که روح فکرت در آن باشد و مشتاقان هنر را به تفکر وادارد و این لازم و ملزوم هنر و مشتری هنر است(!!)

\*

کیهان فرهنگی شعرهای چاپ شده در مطبوعات را چگونه ارزیابی می‏کنید؟

هر صفحه ادبی متولی و متصدی آن شاعری‏ است متعهد،سخن سنج،دردمند و آگاه اشعار را آگاهانه انتخاب می‏کند و نمونه‏ای چند از این‏ دست متصدیان را می‏بینیم که در انتخاب اشعار وسواس دارند متأسفانه در بعضی نشریات صفحهء ادبی گویا دکانی است برای سوداگری یا رفیق‏ بازی.دستهء اخیر خیلی دربند انتخاب اصلح‏ نیستند و در نتیجه رشدی در کارشان نیست.

\*

کیهان فرهنگی برای بارور شدن اندیشه جوانان‏ چه راه حلهایی را مناسب می‏دانید؟

قبل از هر چیز به جوانان توصیه می‏کنم که‏ برای آموختن هنر به هنرمندانی روی آورند که‏ جانی پاک و دلی تابناک دارند و از هرزگی و بدآموزی به دورند.جوان باید در فضای سالمی‏ رشد کند تا آینده‏ای سالم برای جامعهء خود فراهم‏ آرد و نیز بر حذر می‏دارم این عزیزان را از اینکه‏ برخی از جاذبه‏های کاذب سبب انحراف آنان و وسیلهء انصراف از تحصیل شود.اول شرط در توفیق،بدست آوردن سر رشته‏هایی است که‏ انسان را به سوی مطلوب راهبری کند؛البته‏ دانش آموزی و کسب فرهنگ گام اصلی است. اگر این سرمایه فراهم آید شناخت و درک بسیاری‏ از معضلات زندگی آسان است و تأکید می‏کنم‏ بدور از حساسیتهای القا شده از سوی صحنه‏ پردازان فریبکار راه خودش را پیدا کند تا اندیشه از قید توهمات القایی رها شود و توصیه می‏کنم که‏ سرمایه‏های فرهنگی و ادبی خود را صرفا با اثر پذیری از این و آن ارزان نفروشند که دشمن قصد بی‏هویت کردن ملت ما را دارد و این کار را با لشکرکشی نتوانست بانجام برساند،حال به سراغ‏ صاحبان قلم‏های مزدور رفته است.

\*

کیهان فرهنگی ارزیابی شما از شعر امروز و مواضع آن چگونه است؟

امروز شاعران متأسفانه بیشتر گرفتار فرمند تا به‏ دنبال محتوی و این اثر مساعی آنهایی است که‏ می‏خواهند بین نسل کم تجربه(جوان)و نسل‏ مجرب(کهن سالان)فاصلهء فکری ایجاد کنند. امیدوارم جوانان ما سرمایه‏های معنوی سالم‏ گذشتگان خود را ارزان نفروشند.شاعر بایدچراغ هدایت راه مردم باشد.اما در مجموع از بعضی جلوه‏ها در شعر امروز نمی‏توان گذشت. امیدوارم افراط در غرب گرایی میراثهای مذهبی و ملی ما را پامال نکند.

\*

کیهان فرهنگی نقش مترجمین را در تعالی‏ بخشیدن به هنر چگونه ارزیابی‏ می‏کنید؟

مترجمین آنگاه که دست به ترجمهء اثری‏ هنرمندانه می‏زنند،باید سازندهء فضای سالم فکری‏ و الهام بخش هنرمندان ما باشند تا خدمتی شایان‏ به شکوفایی هنرهای ملی ما کنند.اما اگر حامل‏ ابتذال و مفسده در هنر باشند(که تجربهء خدمت و خیانت هر دو دسته را در سدهء اخیر به کرات شاهد بوده‏ایم)مسلما نقش آنان آثار منفی بر هنر زمان‏ گذاشته و خواهد گذاشت.اینان باید وجدان‏ انسانی و ملی خود را حفظ کنند که صیانت قلم‏ وظیفه هر قلمزنی است.

\*

کیهان فرهنگی هنرمند امروز حقانیت شعر زمان خویش را چگونه توجیه می‏کند؟

این اصول عبارتند از شناخت،اعتقاد سالم مذهبی،وجدان درست ملی و توان القای آن‏ در سایهء قدرت قلم و تفکرات و جاذبهء بیان.

\*

کیهان فرهنگی نقد ادبی باید بر چه اصولی‏ استوار باشد؟

نفس شعر دارای حقانیت،یا برعکس‏ فریب و باطل‏گرایی نیست؛شعر یک ظرف است‏ تا مظروف چه باشد.اگر شاعر حق گرا باشد، شعرش از عطر حق سرشار است و اگر گرایشهای‏ ضد حق و حقیقت(شیطانی)داشته باشد،چه‏ حقانیتی در شعر خواهد بود؟شاعر باید حقشناس‏ باشد تا شعرش را حقانیتی باشد.امروز بسیارند آنهایی که سعی در فساد شعر شاعران دارند؛ شاعران جوان را به پرهیز از این شیاطین توصیه‏ می‏کنم.

\*

کیهان فرهنگی ویژگی شعر انقلاب را چگونه‏ ارزیابی می‏کنید؟

سازندگی و عنایت به ایجاد روح ایثار و مقابله با خطرات و نیز انگیزش مردم برای مبارزه با تباهی و فساد و قدرت بخشیدن به جوانان بوسیله‏خلاقیتهای حماسی از ویژگی شعر انقلاب بود و می‏توانم بگویم که در این برهه،شاعران ما حق‏ شاعری را ادا کردند.این تنها ورق زرین هزار سال ادبیات ما بود(البته از جهت محتوای هنر شاعری).

\*

کیهان فرهنگی تقسیم بندی شعر به جلالی و جمالی تا چه حد می‏تواند درست‏ باشد؟

این تقسیم بندی را قبول ندارم،توهمی‏ است که گاهی از بعضی هنرمندان شاعر می‏شنوم.توفیق در سرودن اشعار قوی یا ضعیف‏ را من در درجهء ارادت و علاقهء شاعر نسبت به‏ اصل موضوعیت شعر جستجو می‏کنم.گاهی‏ شاعر از روی ارادت و علاقه شعر می‏سراید،و گاه ناگزیریهایی او را وا می‏دارد که دست به قلم‏ ببرد و کاری انجام دهد.بر این دو حالت شاعر و شعر او هر نامی می‏خواهند بگذارند مجاز هستند، اما اینکه شعر به سراغ شاعر بیاید،بجز یک توهم‏ بیش نیست،بلکه همیشه شاعر به سراغ شعر می‏رود،گاهی از روی کمال علاقه و گاه بنا به‏ فرمایش فلان مقام یا هم چشمی با دیگران.

\*

کیهان فرهنگی به نظر شما شاعران معاصر چگونه می‏توانند خود را در سطح‏ جهانی بنمایانند؟

با توجه به دردهای مشترک انسان و بیان‏ علائق مشترک و چاره‏جویی و راهنمایی انسان‏ امروز را دردهای بزرگی است که باید شاعر دردشناس باشد و طبیب آن.اگر شاعری به این‏ درجه رسید،شعرش بعد جهانی خواهد یافت.

\*

کیهان فرهنگی آیا غزل زمانش به سر رسیده‏ است؟

غزل و هر نوع شعر(از جهت قالب) جاودانگی دارد؛ناتوانان در پرداخت غزل به این‏ سخنان تمسک می‏جویند.تازه عصر شکوفایی‏ غزل است،منتهی غزلی با توجه به نیازهای‏ معنوی و روحی زمان ما.این ادعای نثر نویسانی‏ است که در سرازیری آسان حرکت می‏کنند!

\*

کیهان فرهنگی چه حرف تازه‏ای برای اهل قلم‏ دارید؟ حرف تازه‏ای ندارم جز آنکه اهل قلم‏ حرمت قلم را نگهدارند.